

ذکر قلم و مداد قبل از نگارش حروف و الفاظ ذکر مالک ایجاد بوده و

خواهد بود ...

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



از الواح حضرت بهاء الله - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی
- شماره ۳۵۵

۱۵۲

هو الله تعالى عظم شأنه و عزّ اقتداره

ذکر قلم و مداد قبل از نگارش حروف و الفاظ ذکر مالک ایجاد بوده و خواهد بود و بعد فرزند عزیز میرزا مصطفی همیشه از کوثر ذکر محبوب یگانه بنوشی و بیادش از عالم و عالمیان فارغ و آزاد باشی مکتوبت که مدلّ بر خلوص و حبّ الله بود رسید و سبب روشنی و خوشی دل و دیده گردید چه که هر ذکر که بدو دوست مزین است او بمثابه شمع است در انجمن خوشا بحال آنان که جمیع اذکار و افکار و اوراد و اعمال و افعالشان امروز لله و لحبّ الله و لخدمه الله واقع شده و میشود ای عزیز جان و روان از اله جاودان بطلب که بآنچه لایق و سزاوار امروز است فائز شویم و آن اینست که خود و غیر خود را بکلی فراموش نمائیم و بصد هزار تن و صد هزار جان بخدمت بایستیم و اول خدمت تطهیر قلب و بصر و سمع و فؤاد و جمیع ارکانست از آنچه لایق نبوده و بعد که بعنایت حیّ قدیم باین مقام عظیم رسید آن وقت سزاوار است کمر خدمت بندد و در صفّ بندگان ایستد ای نور چشم چشم عالم باز و یک چشم باز مشهود نه چه که مقصود از بازی دیدن و شناختن است و آن مثل اکسیر نایاب الاّ الذین اخذتهم ید فضل ربنا العزیز الوهاب ای عزیز جان نمیدانم قلم را سکر حبّ مالک قدم اخذ نموده که باین اذکار پرداخته و یا کاتب آتش حسرتهاى این ایام را که بما ینبغی فائز نشده میخواهد بماء این اذکار تسکین دهد سبحان الله سبحان الله نعم ما قال وصف این هجران و این خون جگر الی آخر باری آنچه از لباس طلب نموده بودی ارسال شد انشاء الله بخوشی و خوبی و خرمی و نیک نامی پیوشی و بدری نه این یک جامه را بلکه جامه عالم را ای مصطفی از لسان مالک اسماء باین اسم نامیده شدی این امه و آن عزیز از ربّ بی مثل و نظیر بکمال ذلّت و عجز و ابتهال میطلبیم که بآنچه از برای پاکان در گاهش مقدر فرموده ترا بآن موفق دارد آنه هو المعطى الواهب العزیز الحکیم

1. ارقام ۲ و ۵ و ۱ بر طبق حساب ابجد بترتیب معادل عددی حروف "ب" و "ه" و "الف" است که مجموع آنها کلمه "بها" را تشکیل میدهد.



ORIGINAL

حال نوبت خادم است که نزد آن مخدوم مراتب حبّ و وداد اظهار دارد اگرچه بظاهر از نظر رفته قسم بمرّی کل که هرگز از دل نرفته و نخواهی رفت و از تمام دل و جان و زبان از پروردگار عالمیان مسئلت مینمایم که بزودی بمقام قرب قدس فائز شوی و از کأس وصال بیاشامی بیا بیا که گوشها از برای اصغای حکایتهاست مستعدّ گشته و هوشها از پیشاپیش آماده هر چه زودتر آئی دیر است و هر چه پیشتر آئی دور سرمست باده طهور میگردد وقت از دست رفت فرصت از دست رفت سال رفت و ماه رفت شبانگاه و صبحگاه رفت و هنگام اصغای کلمه ارجعوا نیامد فاه آه ثمّ آه آه اذا اُختم القول بلا حول و لا قوّة الا بالله

خادم